

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۶ فبروری ۲۰۲۱

پاسخی رفیقانه به رفیق جمال بزرگپور

رفیق جمال گرامی با درودهای گرم و صمیمانه متقابل و تشکر از توجهتان به نامه من

به رهبری حزب کمونیست ایران و کومه‌له!

شما در نامه‌تان در پاسخ به «لزوم به رسمیت شناختن گرایشات در حزب» و تعریف یک «دوره گذار» نوشته‌اید «این امر درست است به شرطی که گرایشات پلاتفرم سیاسی خود را ارائه دهند.» و افزوده‌اید: «... شما از کدام گرایشات در درون حزب ما سخن می‌گویند؟ تا کنون و تا جایی که من در جریان باشم هیچ گرایشی خود را با زبان و قلم خود و با طرح پلاتفرم سیاسی خود که تفاوت‌هایش را با خط رسمی حزب بیان کرده باشد هنوز معرفی نشده است.» در پاسخ به عرض می‌رسانم که اولاً نقطه نظرات سیاسی که در چند ماه گذشته از طرف رفقای حزب شما و از جمله خود شما علنی منتشر شده، نشان از دو جهت‌گیری سیاسی متفاوت دارد و نفس این مسأله به خودی خود هیچ ایرادی ندارد و دوم اگر واقعاً چنین است که شما بیان کرده‌اید، باید صریحاً بگوئیم که این احتمال انشعابی زودرس در شرایطی که به گفته شما هنوز هیچ جناحی پلاتفرم سیاسی خود را ارائه نداده‌اند یک نگرانی واقعی است. از این روی است که من پیشنهاد کرده‌ام «گرایشات درون حزبی» فرصتی به هم بدهند تا پلاتفرم‌هایشان شفاف‌تر و صریح‌تر منتشر شود. شاید در آن صورت به جای دوری، نزدیکی در پیش گرفته شود.

اما تا آنجایی که من در جریان بوده‌ام و تعقیب کرده‌ام، جناح مقابل شما و مشخصاً کمیته مرکزی حزب خود را مدافع مصوبات رسمی حزب که در کنگره‌ها تصویب کرده می‌داند و به عبارت دیگر آن مصوبات رسمی را به نوعی پلاتفرم خود محسوب می‌کند و مدعی هستند که طرف شما از این مصوبات فاصله گرفته است. به عنوان نمونه شما اخیراً در جزوهای مفصل و پلاتفرم‌گونه ارزیابی و بازبینی خودتان را روی پاره‌ای از سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت ارائه داده‌اید که به نظر من اقدامی مثبت است. دادن فرصت به گرایشات دیگر و یا احتمالاً رفقای هم‌نظر با شما این خاصیت را دارد که هم اعضای حزب تان و هم جامعه بهتر متوجه خواهد شد که اگر روزی هم زیستی مقدور نباشد موضوع چه بوده است.

از نظر من صرف نظر از این که اختلافات سیاسی به رسمیت شناخته می‌شود یا نمی‌شود، موضوع مهم این است که پروسه شفافیت بخشیدن به این جدال سیاسی نباید با اهرم تشکیلاتی پاسخ بگیرد و به نظر می‌رسد تعجیل و ارجاع موضوعی که هنوز به تمامی روشن نشده به کنگره بیش‌تر «راحتی» تشکیلاتی است تا سیاسی. امری که من آن را به ضرر حزب شما و قطب چپ و دوستداران و هواداران حزب شما می‌دانم. از نگاه من برخورد مسؤولانه به این

نگرانی به یک پروسه زمانی نیاز دارد و به همین دلیل توصیه به رسمیت شناختن گرایشات سیاسی متفاوت، ایجاد و امکان فرصت برای فرموله کردن پلتفرم‌های سیاسی و پیشنهاد رفیقانه به تعویق انداختن کنگره بود. چون کنگره‌ای که بر متن بحران کنونی که طرفین تبیین‌ها و راهکارهای متفاوتی دارند، نتیجه خوبی به دنبال نخواهد داشت.

از نگاه من به عنوان یک دوستدار حزب شما، برگزاری کنگره زمانی می‌تواند برای تداوم کار مشترک مفید باشد که هیچ گرایش و عضو و نماینده‌ای نگران حذف و یا انشعاب نباشد، به عبارت دیگر این کنگره نباید به محلی برای تسویه حساب جناح‌های درون حزبی باشد، بلکه به عکس بر اساس خط و خطوط سیاسی روشن و فرموله شده و بر اساس توافق روی هم زیستی گرایشات سیاسی درون شما با هم باشد.

شما بدرستی تأکید کرده‌اید که «پیشنهاد من زمانی معنای عملی پیدا می‌کند که گرایشات سیاسی در حزب خود را معرفی کرده و رسمیت یافته باشند». بلی منظور من دقیقاً این است که گرایشات به دور از هرگونه فشار و جار و جنجال و دخالت‌های غیرمسئولانه‌ای که شما را تشویق به انشعاب و یا جدا کردن کومه‌له و حزب می‌کنند، و یا کسانی که می‌خواهند «از آب گل‌آلود ماهی بگیرند»، بتوانند در فضائی رفیقانه نظرات خود را صریح‌تر و شفاف‌تر بیان کنند. تازه پس از این پروسه است که می‌توان یک «کمسیون نظارتی» تشکیل داد تا به یک «آئین‌نامه مشترک»، که اساس آن بر پایه توافق روی اشتراکات و مبارزه نظری روی اختلافات پایه‌ریزی شود. این رویکرد بدون شک به نفع وحدت دوباره صفوف حزب شما، به نفع جنبش کارگری سوسیالیستی و منافع عمومی مردم و سنت‌های ارزنده مبارزات طبقاتی - تاریخی کومه‌له و حزب خواهد بود.

بار دیگر تأکید می‌کنم که در شرایطی که به قول شما: «... هنوز ما در حزب با اعلام رسمی، پذیرفته شده گرایشی غیر از گرایش رسمی در حزب و کومه‌له روبه رو نیستیم.» و کمیته مرکزی حزب عنوان می‌کند که «دلیل اصلی بحران درونی شما اختلافات سیاسی است» در چنین وضعیتی نباید به اهرم‌های درون تشکیلاتی برای تسویه حساب جناح‌ها متوسل شد، بلکه باید زمان داد تا گرایشات نظرشان را هم برای خود و هم تشکیلات و هم هواداران و جامعه شفاف‌تر و روشن‌تر کنند. بدون در نظر گرفتن پروسه‌ای زمانی برای تدوین گرایشات سیاسی متفاوت، نه تنها نباید به اهرم‌های تشکیلات رجوع کرد بلکه باید فضای سیاسی و آرایش نیروها را طور تنظیم و فراهم کرد که هیچ‌کس احساس فشار و خطر انشعاب نکند.

البته آن‌طور که مشاهده می‌شود متأسفانه اعضای از درون حزب و کومه‌له و همچنین برخی جریان‌های سیاسی در خارج، نهان و آشکار بر طبل جدائی می‌کوبند. در چنین وضعیتی پیشنهاد من به رفقای دلسوز و مسئولیت پذیر این است که مرعوب چنین فضاهای تحریک آمیز نشوند و با آرامش و با صبر و شکیبائی به اختلاف درونی خود و حل آن‌ها بکوشند.

بی‌گمان احزاب و سازمان‌های سیاسی موقعی کار آمد هستند که از درجه بالای سازماندهی و روابط و مناسبات دموکراتیک درونی برخوردار باشند. از این‌رو به نظرم از آنجائی که نیروهای جدید اجتماعی، که خواهان مشارکت سیاسی و خواهان پیوستن به احزاب سیاسی هستند ثبات و همبستگی و روابط و مناسبات درونی آن حزب برایشان بسیار مهم است. به علاوه یکی از وظایف دایمی و تعطیل ناپذیر احزاب، جذب نیروی جدید و تازه نفس به صفوف خود است اما هنگامی که حزبی در درون خود دچار تشتت و چند دستگی است آیا می‌تواند نیروی جدید جذب کند؟ مهم‌تر از آن، احزاب همواره به دنبال جذب نیروی جدید هستند پس چرا به تفرقه‌انداز درون آن چشم بست و گذاشت اعضایش جمعی کنار بروند و یا انشعاب کنند؟ البته شاید انشعاب در استثناءهایی به عنوان یک راه حل مثبت باشد، اما نباید گرایشی و گرایشاتی در درون احزاب جدائی و تفرقه را تبلیغ کنند و به استقبال انشعاب بروند. چنین حرکتی ضد حزبی و

ضد همبستگی و غیرمسئولانه است. ان هم در شرایطی که هر حزبی و سازمانی تلاش می‌کند تک تک افراد جامعه را به عضویت خود درآورد آن موقع چرا باید با یک اقدام نارس و زودرس و عجولانه صدها عضو خود را از دست بدهند. تجارب تاکنونی نشان داده است که در انشعابها اعضاء فقط دو بخش نمی‌شوند بخش سومی هم وجود دارد که بسیاری از آنها به هر دلیلی نه در حزب سابق می‌مانند و نه به حزب جدید انشعابی می‌پیوندند بلکه بسیاری نیز سیاست زده و سرخورده شده و از فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی دوری می‌جوید و در عین حال همان آرمان‌های خود را حفظ می‌کنند.

احزابی که به جامعه نوید ساختن یک جامعه آزاد، برابر، بدون تبعیض و استثمار و انسانی را می‌دهند خود باید الگوی کوچکی از چنین جامعه‌ای را در مقابل جامعه قرار دهند و با نگاه مسئولانه و مشارکتی و بسیج توده‌ای، شرایط سیاسی لازم برای توسعه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آینده را از فرایندهای چندجانبه تحول اجتماعی و توسعه نشان دهند. اگر نیم نگاهی به سابقه و سنت‌های سیاسی و اجتماعی و سازماندهی حزب کمونیست ایران و کومله بیندازیم با انبوهی از سیاست‌های بالا که اشاره کردم روبه‌رو می‌شویم. این تاریخ درخشان را ارج نهیم و در زنده کردن آنها بکوشیم به ویژه کدورت‌ها و اختلافات تاکتیکی را کنار بگذاریم و به رسمیت بشناسیم و در عین حال بر همزیستی رفیقانه تأکید کنیم!

در پایان لازم است مجدداً از توجه رفیق جمال به پیشنهاد من تشکر کنم و امیدوارم با بحث و بررسی رفیقانه و دل‌سوزانه درونی و بیرونی بتوانیم متحدانه نیرو و انرژی و امکانات خود را در جهت تقویت جنبش‌های اجتماعی و در رأس همه جنبش کارگری بسیج کنیم تا با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی جامعه‌ای به وجود آوریم که در آن آزادی برابری و مدیریت شورائی جامعه به معنای واقعی متحقق شود!

برای همه رفقایم در صفوف حزب کمونیست ایران و کومله

گذر مسئولانه از این دوره، تندرستی و شادابی و موفقیت آرزو می‌کنم!

پنجم فیبروری ۲۰۲۱

ضمیمه:

بهرام رحمانی: چگونه می‌توان از انشعاب در حزب کمونیست ایران و کومله اجتناب کرد؟

[چگونه می‌توان از انشعاب در حزب کمونیست ایران و کومله اجتناب کرد؟\(azadi-b.com\)](http://azadi-b.com)